



تأثیر پیش دانسته‌ها بر تفسیر قرآن؛ بررسی موردی دیدگاه ابن هشام در مورد نوع «ال» در «الْيَوْمَ» در آیه اکمال

حسین رفیعی^۱

محمد رضا امین^۲

چکیده

یکی از مسائل مهم در تفسیر و به‌ویژه تفسیر قرآن، تأثیر پیش دانسته‌های مفسر در تفسیر وی از آیات است. این تأثیر به اختصار در برخی موارد، پذیرفته و حتی لازم است. پژوهش حاضر به بررسی موردی تأثیر پیش دانسته‌ها بر تفسیر قرآن کریم و چگونگی شکل‌گیری تفسیرهای گوناگون بر پایه پیش فرض‌های ذهنی مفسران می‌پردازد. در این تحقیق، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بررسی منابع کتابخانه‌ای، به‌ویژه دیدگاه ابن هشام انصاری (م ۷۳۹ق) در مورد نوع «ال» در واژه «الْيَوْمَ» در آیه اکمال (مائده، ۳) بررسی می‌شود. مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو، بررسی این موضوع است که آیا انتخاب نوع «ال» در «الْيَوْمَ» توسط ابن هشام، تحت تأثیر پیش دانسته‌های وی قرار دارد یا نه. در این پژوهش با بررسی منابع تفسیری و همچنین مباحث ادبی و تحلیل نحوی و معنایی این آیه روشن شد که وی در این آیه تحت تأثیر دیدگاه‌های کلامی اهل حدیث، معنای «زائده لازمه» را برای «ال» در لفظ «الْيَوْمَ» از آیه اکمال انتخاب کرده است؛ انتخابی که به سیاق درونی آیه و انسجام عبارات آن با یکدیگر آسیب می‌زند و از این‌رو، این بخش از تفسیر وی ذیل آیه مخدوش است. همچنین روشن شد که برای استفاده از برداشت‌های تفسیری مفسران، بررسی تأثیرپذیری آن‌ها از پیش دانسته‌ها ضرورت دارد.

واژگان کلیدی: پیش دانسته‌ها، تفسیر قرآن، ابن هشام، آیه اکمال.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه تهران؛ hossein.rafee2005@gmail.com

۲. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ mr.amin451@iki.ac.ir

۱. مقدمه

«ال» از ادات پرکاربرد در زبان عربی است که در حدود ۱۶۰۶ مورد در قرآن به کار رفته است. این لفظ بر مصداق یا معنای مدخول خود تأثیر مستقیم ندارد؛ اما تعیین نوع «ال» در ابهام‌زدایی از مراد از مدخول آن مؤثر است (زاهدی فرو و موسوی شجری، ۱۳۹۳: ۳۱). برای نمونه در آیه اکمال، تعیین نوع «ال» در استنباط مصداق از لفظ «الْيَوْمَ» تأثیر خواهد داشت.

در آیه سوم سوره مائده ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلٍ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ جمله «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»، جمله معترضه‌ای است که در ظاهر، ارتباط نحوی با ماقبل و مابعد خود ندارد. «الْيَوْمَ» حاکی از روزی مهم است که در تعیین مراد از آن اختلافاتی میان مفسران وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۱/۵۶۷). آیه اکمال از ادله اثبات امامت است که به صورت کلی در مورد همه امامان و به گونه جزئی، نسبت به امامت علی علیه السلام در علم کلام کاربرد دارد (نجارزادگان، ۱۳۸۴: ۱۰۶؛ همو، ۱۳۸۷: ۱۳۱؛ عسکری، ۱۳۹۶: ۴۲). از دیدگاه متکلمان امامیه، مراد از «الْيَوْمَ» در این آیه روز غدیر بوده و بی‌درنگ پس از سخنرانی پیامبر صلی الله علیه و آله در روز غدیر نازل گشته که پیامبر در پی آن



فرموده‌اند: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ إِكْمَالِ الدِّينِ وَإِتِمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَا الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَالْوَلَايَةِ لِعَلِيٍّ مِنْ بَعْدِي» (امینی، ۱۴۱۶ق: ۳۵/۱).

آیه اکمال یکی از مواضع اختلاف کلامی - تفسیری میان فریقین است. آنان در مراد از مصداق «الْيَوْم» در عبارت «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» دچار اختلاف شده‌اند. این اختلاف به دلیل انگیزه کلامی هر دسته، در اثبات اعتقادات خود از آیه ایجاد شده است؛ زیرا فریقین قرآن را به عنوان یکی از منابع کلامی خود برشمرده و خواستار اثبات عقاید خود از قرآن هستند.

اختلاف پدیده آمده، ریشه در نوع «ال» در لفظ «الْيَوْم» دارد. همگی مفسران، دو دیدگاه در مورد نوع «ال» در این آیه دارند. براساس یک دیدگاه، این «ال» مفید معنای عهد حضوری است. با این لحاظ، مراد از «الْيَوْم»، روز معهودی است که در آن دین کامل گردیده است. بر این پایه، آیه مورد نظر با روز غدیر تناسب خواهد داشت. دیدگاه دیگر، «ال» را از نوع «زائده لازمه» دانسته است. در این صورت، لفظ «الْيَوْم» معرفه شمرده نمی‌شود و به همین دلیل، احتمالات گوناگونی در مورد مصداق آن مطرح خواهد شد. از این احتمالات می‌توان به روز عرفه سال نهم هجری و روز فتح مکه اشاره کرد. این اختلاف ادبی، سبب اختلاف تفسیری در این آیه نیز شده است. گرچه میان «ال» عهد حضوری و «ال» زائده لازمه، اصل حاکمی وجود ندارد تا بتوان بر پایه آن یکی از احتمالات را ترجیح داد. به همین دلیل، مفسران امامیه با انتخاب دیدگاه اول، این آیه را ثابت کننده واقعه غدیر دانسته‌اند و گروه دوم، به دلیل نبود تعیین‌گری در نوع «ال»، کوشش کرده‌اند تا مراد از مدخول «ال» را بر پایه سایر شواهد همچون شأن نزول به اثبات برسانند.

در میان مفسران سه دیدگاه در مورد مراد از «الْيَوْم» وجود دارد. گروه اول، نزول آیه را در روز جمعه مصادف با روز عرفه سال دهم هجری در حجه الوداع دانسته‌اند. مفسرانی که به این مصداق برای مدخول «ال» قائل هستند: (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۴۵۲/۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۲۲/۱؛ نسائی، ۱۴۱۰ق: ۴۲۶/۱؛ واحدی، ۱۴۱۵ق: ۳۰۸/۱؛ جرجانی، ۱۴۳۰ق: ۱۰۰؛

سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۸۳/۱). دسته دیگر، قائلند که «الْيَوْمَ» موجود در این آیه به روز غدیر در هجدهم ذی الحجه الحرام سال دهم هجری قمری اشاره دارد. برای آگاهی از ادله ایشان در اثبات این مصداق: (ر.ک: ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۳؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱۶۲/۱؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۸/۲۰؛ ابو نعیم، ۱۴۰۶ق: ۵۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۲۵/۲؛ کاشانی، بی تا: ۲۷۹/۱). از دیدگاه گروه سوم، مقصود از «الْيَوْمَ» در این آیه بر پایه دیدگاه سمرقندی روز «فتح مکه» است (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۳۶۹/۱).

اثرگذاری پیش دانسته‌های مفسر، موضوعی است که بیشتر به صورت ناآگاهانه رخ می‌دهد اما مسئله مهم این است که موارد روای این اثرگذاری از موارد ناروای آن بازشناسی شده و از تأثیر موارد ناروا جلوگیری شود. در میان موارد اثرگذاری پیش گفته، اثرگذاری برخی از پیش دانسته‌ها قابل پذیرش و حتی ضروری است که عبارتند از: پیش دانسته‌های «ابزاری، مبنایی، ناظر به اصول و قواعد تفسیر، واجد قرینیت برای فهم، بیانگر فضای نزول، بیانگر فضای سخن، مسأله ساز و توسعه دهنده زاویه نگاه مفسر، و مؤید و مبین مضمون آیه» (باقری، ۱۳۹۹: ۲۸۳). مسئله اصلی این مقاله، بازشناسی اثرگذاری گرایش کلامی ابن هشام در نظرات نحوی وی است که به طور مصداقی بر لفظ «الْيَوْمَ» از آیه سوم سوره مائده (آیه اکمال) تطبیق داده شده است. برای این منظور، نخست به تبیین جهت گیری کلامی ابن هشام و سپس تحلیل ادبی وی در تعیین نوع «ال» در این آیه از کتب تألیفی او و در نهایت به بازشناسی تأثیر رویکرد کلامی وی بر نظر ادبی و تفسیری او در این آیه می‌پردازیم.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون مقالات و کتب بسیاری راجع به غدیر و آیه اکمال از سوی دانشمندان اسلامی نوشته شده که بیشتر آن‌ها جنبه کلامی- تاریخی دارند؛ همچون تفسیر المیزان و تفسیر تسنیم که نویسندگان این کتب در تفسیر بخش کلامی آیه سوم سوره مائده به توضیح



دیدگاه امامیه مبنی بر برداشت غدیر از این آیه و طرح سایر احتمالات و مردود دانستن آنها پرداخته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۶۱/۲۱، طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶۹/۵). همچنین مریم هرمزی شیخ‌طبقی در مقاله «مفسران اهل سنت و آیه اکمال» سعی داشته تا دیدگاه پنج مفسر اهل سنت را در کنار طرح دیدگاه امامیه در این آیه به اثبات درستی آن بر پایه استدلال‌های کلامی بپردازد (هرمزی شیخ‌طبقی، ۱۳۹۵: ۱۴۲). افزون بر اینکه فتح‌الله نجارزادگان در مقاله «بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال با تأکید بر نقد مناقشه‌ها درباره دیدگاه شیعه» سعی داشته با محوریت دیدگاه امامیه در آیه اکمال، به اشکالات واردشده بر این دیدگاه از سوی دیگر صاحب‌نظران پاسخ دهد.

همچنین تأثیر پیش‌دانسته‌ها بر تفسیر که مقاله حاضر به تبیین یکی از موارد آن پرداخته، در مقالات افرادی همچون دکتر علی اوسط باقری بررسی شده‌اند. به اعتقاد وی، مفسران در صدد اثبات دیدگاه کلامی خویش در تفاسیر اجتهادی بودند. گاهی اوقات، افراط در این استفاده کلامی، منجر به تحمیل رأی به قرآن گردیده و تفسیر را جانب‌دارانه کرده است (باقری، ۱۳۹۸: ۱۰۳-۱۰۴). از دیدگاه وی، ادبیات عرب از پیش‌دانسته‌های غیربدیهی و ابزاری مفسرند (همو، ۱۳۸۸: ۷۷)؛ به همین دلیل، امکان تأثیرپذیری ادبیات عرب از علوم اسلامی فراهم می‌شود. امری که موجب ایجاد تفاسیر جانب‌دارانه گردیده، ریشه در محوریت‌بخشی به دیدگاه خود توسط مفسر و تحمیل این دیدگاه بر آیه دارد (همو، ۱۳۹۸: ۲۵) اما مفسران مسلمان به دلیل تمرکز بر فهم مراد خداوند و «مؤلف محوری» در تفسیر، همواره این تحمیل عقاید خویش و استنباط جانب‌دارانه را مراد خداوند دانسته‌اند (همو، ۱۳۸۷: ۹۹).

مقاله حاضر در صدد تأکید بر «ال» به عنوان مؤلفه مؤثر در برداشت معنایی از این آیه است. از این رهگذر، تأثیرگذاری رویکردهای مورد اعتقاد مفسر در علومی همچون کلام و فقه در تحلیل ادبی عبارات قرآنی را نیز به روش خاص در مورد ابن‌هشام انصاری نمایش داده است. وجه امتیاز مقاله این است که با لحاظ وابستگی شدید تفسیر قرآن

کریم به ادبیات عرب، روایی یا ناروایی تأثیر یکی از موضوعات ادبی بر تفسیر ادیب اثرگذار بر ادبیات و تفسیر قرآن، یعنی دیدگاه ابن هشام را ذیل تعیین کننده ترین آیه در مبحث کلامی امامت بررسی می کند.

در بخش اول مقاله حاضر به توضیح تأثیرپذیری ادبیات عرب از دیگر علوم اسلامی در قالب نظری و با بیان برخی مصادیق پرداخته شده، سپس در بخش بعد ضمن ارائه گرایش های کلامی موجود نسبت به غدیر در میان متکلمان گوناگون از مذاهب اسلامی و مذاهب مورد اعتقاد ابن هشام، به تعیین گرایش کلامی او پرداخته خواهد شد. محدودیت پژوهش حاضر در نبود کتاب اعتقادی در میان تألیفات ابن هشام است. به همین دلیل، دیدگاه کلامی او براساس اعتقادات کلامی مذهب وی مطرح خواهد شد، سپس دیدگاه ادبی ابن هشام از میان کتب نحوی او در مورد «ال» موجود در این آیه و موارد مشابه آن بیان شده و دیدگاه مورد تلقی مقاله حاضر از میان نظرات ابن هشام تبیین می شود. در بخش پایانی مقاله، ظهور گرایش کلامی ابن هشام در ارائه دیدگاه نحوی نسبت به «ال» در ابتدای کلمه «الْيَوْمَ» نشان داده خواهد شد.

۲. تأثیرپذیری ادبیات از علوم اسلامی دیگر

ادبیات عرب در اصل، قواعد کلی است که از ادله بیان شده در اصول نحو همچون سماع، اجماع و قیاس استنباط شده است. سماع از راه های گوناگونی مانند آیات قرآن، روایات نبوی^۱ و استعمال های موجود در گفتار و نوشتار متکلمان فصیحی که عرب بودن ایشان موثق باشد، قابل استنباط است (سیوطی، ۲۰۱۱: ۳۳). این ادله بدین دلیل معتبر گشته اند که توانایی انتقال نوع تکلم اعراب فصیح را دارا هستند. دانشمند ادبیات عرب نیز می بایست مبتنی بر همین اصول ضمن حفظ امانت در زبان مبدأ به ارائه قواعد

۱. اگرچه روایات اهل بیت علیهم السلام نیز قابل طرح شدن است ولی به دلیل اینکه مؤلف کتاب از اهل تسنن هستند، این قسم را طرح نکرده اند.



نحوی و تعیین مصداقی کاربردهای نقش‌ها و معانی نحوی بپردازد.

همچنین در فواید علوم ادبی، حفظ زبان و نوشتار آدمی از خطا در این زبان‌ها و گفتار مطابق فصاحت و بلاغت عربی مطرح گشته است (بهاء‌الدین عاملی، بی‌تا: ۵۶۹/۲؛ مدنی، بی‌تا: ۴۴؛ تفتازانی، ۱۳۹۸: ۲۶) و بدین واسطه اگر قواعد ادبی تبدیل به بستری برای ترتیب اثردادن عقاید ادیب یا مفسر شود، کارایی اصلی خود را از دست داده و بهره‌وری مقلدانه از آن، مستلزم برداشت‌های نادرست می‌گردد.

در اثرگذر زمان، مبانی فقهی، کلامی و تفسیری نیز در تحلیل مؤثر واقع شده و ادبیات را جانب‌دارانه کرده است. این تأثیرگذاری برخلاف امانت‌داری در استنباط نحوی و تطبیق قواعد با شاهد مثال‌ها رخ داده است (آسه، ۱۳۹۲: ۵۷). بنابراین، می‌بایست در نسبت با آرای نحویان در مورد آیات قرآن و روایت فقهی و کلامی، برخوردی نقادانه داشت.

از مصادیق جانب‌دارانه‌شدن ادبیات می‌توان به اثرگذاری رویکرد فقهی علمای اهل تسنن در حکم برای شستن دست در وضو که وابسته به تعیین معنای «إِلَى» در آیه «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ» (مائده، ۶) است، اشاره کرد که سبب شده تا معنای غایت «محدوده» برای «إِلَى» (حسن، ۱۳۶۷: ۴۰۲/۲) در نظر گرفته نشده و معنای «إِلَى»، «انتهای غایت» دانسته شود تا شیوه شستن دست در مذهب اهل تسنن را از قرآن استنباط نمایند؛ زیرا در این صورت، «المرافق» انتهای غایت شست‌وشوی دست در وضو دانسته شده و می‌بایست از نوک انگشتان به سمت آرنج به شستن دست در وضو اقدام کرد (ابراهیمی فخاری، ۱۳۹۸: ۱۰۷).

همچنین در تعیین معنای «لَام» موجود در آیه «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ» (اعراف، ۱۷۹)، هریک از مفسران بر پایه رأی مکتب کلامی خود درباره هدف خلقت انسان و معاد، معنایی خاص را برگزیده‌اند. فخر رازی به دلیل تبعیت از مکتب اشاعره و قائل‌بودن به جبرگرایی معنای «غایت» را برای «لَام» طرح کرده (فخر رازی، ۱۴۲۰:

۴۰۹/۱۵) و با گزینش این معنا، هدف خلقت برخی از جن و انس را برای جهنم دانسته است. همچنین تخطی از این هدف را سبب تغییر در علم الهی دانسته است. زیرا از این رو که تغییر علم الهی ناممکن است، اطلاع خداوند بر شقاوت کسی، موجب مجبور کردن او به فرجام بد اقبال می‌گردد. علامه طباطبایی برای رفع دیدگاه جبرگرایانه معنای «غایت تبعی»^۱ را مطرح کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۴/۸-۳۳۵). ایشان در انتخاب این معنا، به رویکرد «امر بین الامرین» نزد متکلمان امامیه توجه داشته است. همچنین آیت الله جوادی آملی در جست‌وجوی اثبات دیدگاه امامیه با استفاده از ظرفیت ادبی موجود در معنای «لام»، به تعیین معنای «عاقبت» برای این حرف پرداخته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۲۲/۳۱).^۲ بر پایه معنای برگزیده شده از سوی علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی، هدف خداوند از خلقت انسان، رحمت (۱۲۲، هود)، عبادت (ذاریات، ۵۶) و ابتلاء (ملک، ۲) بوده و خلقت برای جهنم، به عنوان هدفی فرعی که در اثر تخطی آدمی از مسیر اصلی دامنگیر وی شده، تلقی می‌گردد. (رفیعی و حبیبی، ۱۴۰۳: ۲۶۲).

۳. گرایش کلامی ابن هشام انصاری

بر پایه مدعای مطرح شده در مقدمه، این مقاله درصدد بررسی اثرگذاری گرایش کلامی ابن هشام در مباحث غدیر بر تحلیل ادبی وی از آیه اکمال است. در این بخش به ارائه دیدگاه کلامی ابن هشام در بحث غدیر و آیه اکمال پرداخته خواهد شد. رویکرد مورد

۱. بر پایه این معنا، مراد اصلی فاعل (=خدا) از خلقت، جهنمی شدن افراد نیست، بلکه در پی خلقت مخلوقات، برخی از آن‌ها به مثابه ضایعات خلقت بوده و جهنمی می‌گردند. ایشان برای توضیح این معنا، به ضایعات چوب که به صورت تبعی در اراده نجار برای ساختن درب وجود داشته یا بذره‌های بدون محصولی که کشاورز در بذرباشی از آن‌ها اراده محصول کرده بود، مثال می‌زند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۳۴/۸).

۲. نگارنده در مقاله ای دیگر با عنوان «مقایسه-ی معنای (لام) در آیه ۱۷۹ سورة اعراف از دیدگاه فخر رازی و آیت الله جوادی آملی» به تبیین تفسیر دو نفر از این آیه پرداخته و در نتیجه، درستی معنای «عاقبت» که توسط آیت الله جوادی آملی طرح شده را به اثبات رسانده است. (رفیعی و حبیبی، ۱۴۰۳: ۲۶۳-۲۶۴).



توجه در این بخش از مقاله حاضر، کلامی-تاریخی است.

ابن‌هشام انصاری در طول حیات خود دارای دو مذهب بوده است؛ نخست شافعی بود و سپس حنبلی گردید (الضیع، ۱۹۹۸: ۵۱). تغییر مذهب وی در سال ۷۵۶ هجری قمری با حفظ کردن کتاب مختصر خرقی و تدریس در مدارس حنابله بارز گردید (همان: ۵۰؛ فاتحی‌نژاد، ۱۳۷۲: ۱۱۵/۵). بنابر تصریح ابن‌هشام در مقدمه مغنی اللیب، این کتاب را دو بار به رشته تحریر در آورده است (همان؛ شعیب، ۱۹۸۶: ۲۸-۲۹). نسخه موجود از مغنی اللیب، در سال ۷۵۶ هجری قمری نگاشته شده است. دکتر سامی عوض به قرینه وجود برخی اختلافات با زمخشری معتزلی در کتاب مغنی اللیب، ابن‌هشام را هنگام نگارش این کتاب، بر مذهب کلامی اشعری و مذهب فقهی شافعی دانسته است (عوض، ۱۹۸۷، ۱۱۳).

۳.۱. جهت‌گیری کلامی ابن‌هشام انصاری و مکتب کلامی اثرگذار بر وی

بر پایه استقرای انجام‌شده در میان کتب کلامی و آثارشناسی ابن‌هشام انصاری، هیچ کتاب کلامی‌ای از ایشان یافت نشد. بنابراین، ابن‌هشام دارای دیدگاه کلامی مستقلی نیست، بلکه باید افراد و گروه‌هایی که ابن‌هشام به آن‌ها گرایش داشته را بررسی کرد. مذهب فقهی شافعی که ابن‌هشام در سال ۷۵۶ هجری قمری به آن معتقد بوده، در کلام از اهل حدیث پیروی می‌کنند (رضوی، ۱۳۸۷: ۵۶۵). بنابراین، برای بررسی رویکرد کلامی ابن‌هشام در آیه سوم سوره مائده و مسئله غدیر می‌بایست از کتب اهل حدیث بهره‌مند شد.

در میان کتب اهل حدیث، تفاوت چشمگیری نسبت به توضیح عبارت «الیوم اکملت لکم دینکم» وجود دارد. برخی آیه را در توضیح رخداد عرفات در حجه الوداع می‌دانند و مهمترین دلیل آن‌ها روایتی از عمر بن خطاب مبنی بر نزول این آیه در عرفات است (ابن‌منده، ۱۴۲۲ق: ۱۶۷؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق: ۴۴۵/۵) و بعضی دیگر این آیه را مبتنی بر

نقل‌های متعددی در شأن امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام دانسته و به عنوان مؤید تبریک‌گویی عمر بن خطاب را مثال می‌زنند (حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۰-۲۰۴؛ ابن مغازلی، بی‌تا: ۶۱). ابن هشام از میان این دو دیدگاه، رویکردی مخالف نسبت به غدیر داشته و آیه سوم سوره مائده را در مقام اثبات غدیر نمی‌داند؛ درحالی که بزرگان حنبلی و شافعی همچون ابن مغازلی و ابن حجر عسقلانی با دیدگاهی منصفانه نسبت به ادله، این آیه را در شأن امام علی علیه السلام دانسته‌اند (ابن مغازلی، بی‌تا: ۶۱؛ عسقلانی، ۱۴۰۱ق: ۴۴/۲).

ابن هشام در تحلیل نحوی خود دارای جهت‌گیری کلامی است. دکتر عوض، ابن هشام را نحوی متحفظ به کلام با اسلوبی منطقی در تحلیل‌های ادبی دانسته است (عوض، ۱۹۸۷: ۱۱۳). این جهت‌گیری در تحلیل ادبی وی در آیات کلامی مورد توجه است.

۳.۲. رویکرد مفسران دیگر از میان مذاهب کلامی گوناگون نسبت به آیه اکمال

مفسران در مذاهب کلامی دیگر، متأثر از رویکرد خود نسبت به جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به توضیح آیه پرداخته‌اند. متکلمان امامیه این آیه، لفظ «الْيَوْمَ» و شأن نزول آیه را در مورد غدیر می‌دانند (ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۳؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۱۶۲؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق: ۲۰۰/۱؛ ابو نعیم، ۱۴۰۶ق: ۵۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۲۵/۲؛ کاشانی، بی‌تا: ۲۷۹/۱). از میان مفسران سنی، گروهی این آیه را در مورد روز عرفة در حجة الوداع (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۴۵۲/۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۲۲/۱؛ نسائی، ۱۴۱۰ق: ۴۲۶/۱؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۳۰۸/۱؛ جرجانی، ۱۴۳۰: ۱۰۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۸۳/۱) یا فتح مکه (سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ۳۶۹/۱) دانسته‌اند.



۴. رویکرد نحوی-معناشناختی ابن‌هشام انصاری نسبت به «ال» در کلمه «الْيَوْم» از آیه اکمال

ابن‌هشام میان آثار خود تنها در دو کتاب نحوی خویش از آیه اکمال به عنوان مثال در بحث معانی «ال» بهره برده است. وی در اوضح المسالک، «ال» لفظ «الْيَوْم» را در معنای «عهد حضوری» دانسته است (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱۶۲/۱). ولی در مغنی اللیب قائل به معنای «زائده لازمه» شده است (ابن‌هشام، بی‌تا: ۵۱/۱).

وی در تعیین معنای «ال» موجود در آیه سوم سوره مائده در اوضح المسالک و مغنی اللیب دچار تغییر رأی شده است. در اوضح المسالک که شرح الفیه است، با قائل شدن به معنای عهد حضوری، معنایی را لحاظ کرده که مطابق با برداشت غدیر از این آیه بوده و هیچ اختلافی با مبانی شیعه ندارد اما در مغنی اللیب که کتاب مستقل ابن‌هشام است، از آیه سوم سوره مائده به عنوان مثال برای کاربرد «ال» در معنای زائده لازمه استفاده کرده است.

برای ارائه نظر نهایی ابن‌هشام به ناچار باید یکی از نظرات او بر پایه مرجحات برگزیده شود. نگارنده به چهار دلیل، کتاب مغنی اللیب را شایسته‌تر در ارائه نظر نحوی ابن‌هشام دانسته و این نظر را در ادامه نقد و تحلیل می‌کند:

۱. انگیزه تألیف کتاب: بر پایه گفته ابن‌هشام، هدف از تألیف اوضح المسالک رفع مطالب مبهم الفیه ابن‌مالک بوده است و وی در این کتاب هیچ تهذیب و نقدی را از جانب خودش مطرح نکرده و به توضیح نظرات ابن‌مالک پرداخته است (ابن‌هشام، بی‌تا: ۱۲/۱). هدف ابن‌هشام در کتاب مغنی اللیب، بیان اشکالات نحویان و ارائه راه‌حل به ایشان در تبیین مسائل و پیچیدگی‌های اعرابی بیان شده است (ابن‌هشام، بی‌تا: ۹/۱) و با توجه به غرض تألیفی هر دو کتاب، به دلیل استقلال آرای نحوی در مغنی اللیب، رویکرد مطرح‌شده در این کتاب ملاک قرار می‌گیرد.

۲. تجدید تألیف کتاب: این مؤلفه در مورد هر نوشته‌ای که مطرح باشد، به دلیل

بازخوانی مجددی که نگارنده بر نظراتش داشته، از استحکام بیشتری برخوردار است. مغنی اللیب پس از مفقود شدن کتاب در سال ۷۴۹ هجری قمری، در مسیر برگشت ابن هشام از مکه دوباره در سال ۷۵۶ هجری قمری تألیف شد (فاتحی نژاد، ۱۳۷۲: ۱۱۵/۵). این درحالی است که اوضح المسالک تنها یکبار نگاشته شده است.

۳- شهرت مغنی اللیب با هیچ یک از کتب دیگر ابن هشام، چه در عصر او و چه در حال حاضر قابل مقایسه نیست؛ بنابراین، دیدگاه‌های نحوی ارائه شده از سوی ابن هشام در مغنی اللیب، به منزله مطلق دیدگاه او از سوی پژوهشگران تلقی می‌شود. برای نمونه، می‌توان بدین موارد اشاره کرد: (محبی و علوی، ۱۳۹۲: ۷۹؛ فرجی، ۱۳۹۴: ۴۸؛ قاسم نژاد و نصیری، ۱۳۹۴: ۱۴).

۴- تألیف کتاب مغنی اللیب نسبت به اوضح المسالک متأخر است (فاتحی نژاد، ۱۳۷۲: ۱۱۵/۵)؛ زیرا ابن هشام در ابتدای مغنی اللیب به انتقادهایی از شیوه تدریس و تألیف نحو می‌پردازد که در اوضح المسالک برخلاف آن‌ها عمل کرده است و اگر تألیف اوضح المسالک مقدم بر مغنی اللیب به حساب آید، مستلزم عمل نکردن ابن هشام بر پیشنهادات خودش نسبت به تألیف کتب نحوی می‌شود.

در نتیجه، به دلیل دیدگاه ادبی استقلال‌ی ابن هشام و تجدید تألیف و شهرت کتاب مغنی اللیب و تأخر زمان نگارش آن نسبت به اوضح المسالک، نگارنده در ادامه نظر ابن هشام را به نسبت دیدگاه مطرح شده در مغنی اللیب مورد نقد و تحلیل قرار خواهد داد.

ابن هشام در مغنی اللیب نسبت به تعیین نوع «ال» در آیه سوم سوره مائده بیان می‌دارد:

«لأن الصحيح في الداخلة على الآن أنها زائدة لأنها لازمة...
والمثال الجيد للمسألة قوله تعالى: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ



دِينَكَمُ^۱) (ابن‌هشام، بی‌تا: ۵۰/۱).

معنای زائده لازمیه که برای «ال» موجود در آیه سوم سوره مائده توسط ابن‌هشام تعیین شده است، در بردارنده «ال»‌هایی می‌شود که مدخول آن‌ها به سبب «ال» معرفه نمی‌گردد (سیوطی، بی‌تا: ۷۸). وضوح معنایی و معرفه‌شماری لفظ «الْيَوْمَ» در این آیه، با کمک شأن نزول‌های مطرح‌شده از سوی مفسران حاصل شده است اما بدین سبب که «ال» به منزله جزئی از کلمه شده است، نباید آن را حذف کرد (ابن‌هشام، ۱۳۹۹: ۳۴). هرچند انتخاب معنای زائده لازمیه، در معنا مدخلیتی ندارد اما ابن‌هشام با انتخاب این معنا، سبب ایجاد تردید در تعیین مورد «الْيَوْمَ» و طرح دیدگاه‌های متعدد در تعیین مصداق این لفظ گردیده است.

در اثر انتخاب این معنا، «ال» نمی‌تواند نقشی در تعیین مصداق «الْيَوْمَ» داشته باشد؛ زیرا «ال زائده لازمیه» فاقد هرگونه معنایی بوده و صرفاً در لفظ ظهور دارد (نجار زادگان، ۱۳۸۴: ۱۱۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۵۷۶/۲۱). این امر سبب گشته تا مصداق‌های متعددی که برخی از آن‌ها با قبل و بعد جمله معترضه «الْيَوْمَ يَنْسَ... وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده، ۳) در تعارض هستند، مطرح شوند. همان‌گونه که گفته شد، در مجموع سه دیدگاه در مورد مصداق «الْيَوْمَ» بیان شده است. یکی اینکه این آیه در روز عرفه سال دهم هجری قمری مقارن با حضور پیامبر ﷺ در حجه الوداع نازل شده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ۴۵۲/۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۴۲۲/۱؛ نسائی، ۱۴۱۰ق: ۴۲۶/۱؛ واحدی، ۱۴۱۵ق: ۳۰۸/۱؛ جرجانی، ۱۴۳۰ق: ۱۰۰؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۸۳/۱). دیگر اینکه در روز غدیر خم همان سال و در مسیر بازگشت از حجه الوداع نازل گردیده و سبب تشکیل واقعه غدیر و تعیین علی بن ابی‌طالب علیه السلام به عنوان وصی پیامبر ﷺ شده است (ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۱۵۳؛ قمی، ۱۳۶۳: ۱۶۲/۱؛ حسکانی،

۱. به دلیل اینکه صحیح در مورد «ال» داخل‌شده بر کلمه در اینجا این است که «ال» زائده- است و زائده‌بودنش به دلیل لازمیه‌بودن آن است... و مانند خوبی که قابل طرح در این مسئله بوده، قول خداوند تعالی است: «اليوم اكملت لكم دينكم».

۱۴۱۱ق: ۲۰۰/۱؛ ابو نعیم، ۱۴۰۶ق: ۵۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۲۵/۲؛ کاشانی، بی تا: ۲۷۹/۱). سوم اینکه آیه یادشده در روز فتح مکه نازل شده و منظور از «الْيَوْمَ» نیز به همین روز تعلق می گیرد (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۶۹/۱).

همچنین انتخاب معنای «زائده لازمه» توسط ابن هشام در مغنی اللیب با دیدگاه مطرح شده وی در اوضح المسالک در تعارض است؛ زیرا در اوضح المسالک، معنای «عهد حضوری» برای این آیه ذکر شده است. همچنین نحویان متعددی بر پایه همین معنا، به آیه اکمال مثال زده اند (مدنی، بی تا: ۸۴/۱؛ ناظر الجیش، بی تا: ۸۲۵/۲؛ نهر، بی تا: ۱۰۴/۱؛ حسینی طهرانی، ۱۳۶۴: ۳۳۸/۱؛ همان: ۵۱۰/۲). گزینش معنای «عهد حضوری» در برابر معنای «زائده لازمه»، سبب ایجاد تعارض شده است؛ زیرا با معنای «عهد حضوری»، امری واضح برای مخاطب مورد استناد قرار می گیرد. واقعه غدیر، مستند عهد حضوری در مثال مورد بحث است اما انتخاب معنای «زائده لازمه» با بروز آن مصداق معارضه می یابد. همچنین موجب پدید آمدن تردید در تعیین مصداق «الْيَوْمَ» (= مصداق مورد بحث) می شود.

۵. نقش گرایش اهل حدیث در ملاحظه ادبی ابن هشام نسبت به تعیین معنای «ال» لفظ «الْيَوْمَ» از آیه اکمال

ابن هشام، در عین تعدد مذهب مورد تبعیت خویش، در گرایش کلامی خود هم نظر با دسته معارضان با غدیر از مذهب اهل حدیث مطرح می شود. اگرچه وی تألیفی در زمینه کلام ندارد اما به وضوح جانب گیری وی از اهل حدیث در این آیه نمایان است. وی از مجموع تألیفات ادبی خود تنها در دو کتاب «اوضح المسالک الی ألفیه ابن مالک» و «مغنی اللیب عن کتب الأعراب» در مورد این آیه صحبت کرده بود اما در میان همین دو کتاب نیز اختلاف بسیار چشمگیری دیده می شد. ابن هشام در اوضح المسالک با بیان معنای «عهد حضوری» برای «ال» موجود در آیه سوم سوره مائده، نظری

را مطرح کرد که به کمال درست و مطابق با برداشت غدیر از این آیه است (ابن هشام، بی تا: ۱/۱۶۲). اما در مغنی اللیب که از آثار مستقل او بود و به دلایلی همین نظر به عنوان نظر ادبی ابن هشام توسط نگارنده به حساب آمد، ابن هشام معنای «زائده لازمه» را برای «ال» برگزید (ابن هشام، بی تا: ۵۰/۱). گزینش این معنا سبب مخالفت وی با دیدگاه مشهور نحویان نسبت به معنای «ال» و ایجاد تعارض میان صدر و بخش اکمال از آیه سوم سوره مائده و ایجاد تعدد احتمالات بعید در مورد مصداق «الْيَوْمَ» شد.

نتیجه‌گیری

ابن هشام در تعیین نوع «ال» در لفظ «الْيَوْمَ» از آیه اکمال دچار تأثیرپذیری از گرایش کلامی خود شده و «ال زائده لازمه» را برگزیده است. وی به نگر مذهبی در طول عمر خود معتقد به سه مذهب فقهی از مذاهب اهل تسنن بوده اما در سال ۷۵۶ هجری قمری که به تألیف مغنی اللیب پرداخته، به لحاظ کلامی از معتقدان به مکتب «حدیثی» بوده است. گزینش «ال زائده لازمه» از سوی ابن هشام برای «ال» سبب می‌گردد تا احتمالات متعددی نسبت به مصداق «الْيَوْمَ» ذکر شود که امکان صحت همگی آن‌ها بعید می‌نماید و همچنین منجر به مخالفت با مشهور نحویان می‌شود؛ زیرا ایشان معنای «عهد حضوری» را برای «ال» در نظر گرفته‌اند. همچنین با انتخاب این معنا، جایگاه ربطی عبارت «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» در سیاق «الْيَوْمَ يَكُنْ ... رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» از بین می‌رود. این مطالعه موردی، با اثبات وقوع اثرپذیری تفسیر ابن هشام از پیش دانسته‌های کلامی وی و در نهایت، با روشن کردن نادرستی بخشی از تفسیر ابن هشام بر آیه سوم سوره مائده، نتایج پژوهش‌های پیشین مبنی بر لزوم مذاقه در مورد احتمال اثرگذاری پیش دانسته‌ها بر برداشت‌های تفسیر را تأیید و مستند کرد.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابراهیمی فخاری، آزاده؛ جعفری، ولی الله؛ شمس، لیلا (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی معنای «إلی» در آیهی وضو از دیدگاه فریقین»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۳۸، صص ۱۰۷-۱۳۶.
۲. ابن رشد، محمد بن احمد (۱۹۹۸)، *الکشف عن مناهج الأدلة فی عقائد الملة*، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۳. ابن سلیمان، مقاتل (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن مغازلی، علی بن محمد (بی تا)، *ترجمة المناقب الامام علی علیه السلام*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۵. ابن منده، محمد بن اسحاق (۱۴۲۲ق)، *الإیمان «ابن منده»*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۶. ابن هشام انصاری، عبدالله بن یوسف (۱۳۹۹)، *معنی الأریب فی تهذیب معنی اللیب عن الکتب الأعاریب*، قم: مرکز تدوین متون درسی حوزه های علمیه.
۷. _____ (بی تا)، *أوضح المسالک ألی ألفیة بن مالک*، بیروت: مکتبة العصریة.
۸. _____ (بی تا)، *معنی اللیب عن الکتب الأعاریب*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۹. ابو نعیم، احمد بن عبدالله (۱۴۰۶ق)، *النور المشتعل من الکتاب مانزل من القرآن فی علی علیه السلام*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق)، *الغدير فی الکتاب و السنة و الأدب*، قم: مرکز الغدير للدراسات الإسلامية.
۱۱. آسه، محمد جواد (۱۳۹۲)، *نقش علم نحو در تفسیر قرآن کریم*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۲. آمدی، علی بن محمد (۱۴۲۴ق)، *غایة المرام فی علم الکلام*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. باقری، علی اوسط (۱۳۸۷)، «نظریه های تفسیر متون و مؤلف محوری مفسران مسلمان»، قرآن شناخت، س ۲، صص ۵۹-۱۰۰.
۱۴. _____ (۱۳۸۸)، «مجاری تأثیر پیش دانسته های مفسر در تفسیر قرآن»، قرآن شناخت، سال ۲، ش ۲، صص ۷۳-۱۱۰.
۱۵. _____ (۱۳۹۸)، «آسیب شناسی تأثیر پیش دانسته ها در تفسیر قرآن»، معرفت، سال ۲۸، ش ۲۵۷، صص ۲۳-۳۱.
۱۶. _____ (۱۳۹۸)، «وجوه روای تأثیر علایق مفسر در تفسیر قرآن»، معرفت کلامی، سال ۱۰،

ش ۲۲، صص ۹۵-۱۱۳.

۱۷. _____ (۱۳۹۹)، نقش پیش‌دانسته‌ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۱۸. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، *دلائل النبوة*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۹. تفتازانی، سعدالدین مسعود (۱۳۹۹)، *المطول شرح مختصر المفتاح*، قم: هجرت.
۲۰. ثمالی، ثابت بن دینار (۱۴۲۰ق)، *تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دار المفید.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
۲۲. _____ (۱۳۹۲)، *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
۲۳. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلہ فی اهل البيت علیهم‌السلام*، تهران: مؤسسه طبع و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. حسن، عباس (۱۳۶۷)، *النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة والحیات المتجددة اللغویة*، تهران: ناصر خسرو.
۲۵. حسینی طهرانی، هاشم (۱۳۶۴)، *علوم العربیة*، تهران: مفید.
۲۶. رازی، ابوالفتح حسین بن علی (۱۳۸۴)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۷. رضوی، رسول (۱۳۸۷)، *دانشنامه کلام اسلامی*، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
۲۸. رفیعی، حسین؛ حبیبی، محسن (۱۴۰۳)، «مقایسه معنای لام در آیه ۱۷۹ سوره اعراف از دیدگاه فخر رازی و آیت‌الله جوادی آملی»، *پژوهش‌های تفسیر تطبیقی*، دوره ۱۰، ش ۲، صص ۲۴۹-۲۶۹.
۲۹. زاهدی‌فر، سیف علی؛ موسوی شجری، آمنه (۱۳۹۳)، «اختلاف معنای الف و لام عهد و جنس در تفسیر آیات قرآن کریم»، *صحیفه مبین*، ش ۵۶، صص ۳۱-۵۲.
۳۰. سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، *تفسیر سمرقندی*، بیروت: دار الفکر.
۳۱. سنوسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۷ق)، *شرح العقیده الکبری*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۲. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۲۱ق)، *الإتقان*، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۳. _____ (۲۰۱۱)، *الإقتراح فی علم اصول النحو*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۴. _____ (بی‌تا)، *البهجة المرضیة علی الفیة بن مالک*، قم: اسماعیلیان.
۳۵. شعیب، عمران عبدالسلام (۱۹۸۶)، *منهج ابن هشام من خلال کتابه المغنی*، بنگازی: دار الجماهیریة للنشر و التوزیع و الإعلان.
۳۶. الضبع، یوسف عبدالرحمن (۱۹۹۸)، *ابن هشام وأثره فی النحو العربی*، قاهره: دار الحدیث.

۳۷. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، تفسیر المیزان، بیروت: دار الأعلمی للمطبوعات.
۳۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۳۹. عاملی، بهاء الدین (بی تا)، جامع المقدمات، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۰. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۰۱ق)، القول المسدد فی الذب عن المسند للإمام أحمد، قاهره: مكتبة ابن تیمیة.
۴۱. عسکری، سید مرتضی (۱۳۹۶)، ولایت علی علیه السلام در قرآن کریم و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، تهران: منیر.
۴۲. عوض، سامی (۱۹۸۷)، ابن هشام النحوی عصره، بیئته، فکرت، مؤلفاته، منهجه و مکانته فی النحو، دمشق: دار طلاس للدراسات و الترجمة و النشر.
۴۳. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۰۹ق)، الأربعین فی اصول الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۴۴. فاتحی نژاد، عنایت الله (۱۳۷۲)، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۴۵. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، تفسیر الکبیر «مفاتیح الغیب»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۶. فرجی، مطهره (۱۳۹۴)، «تحلیل نحوی- معنایی منصوب بنزع خافض با نظر به قرآن کریم»، حسنا، ش ۲۷، صص ۴۸-۶۷.
۴۷. قاسم نژاد، زهرا؛ نصیری، روح الله (۱۳۹۴)، «بررسی زبان شناختی قرائت واژه «غرفة» در آیه «أَلَا مِنْ غِرفَةٍ مَبِیدَةٍ»»، پژوهش های زبان شناختی قرآن، ش ۸، صص ۱-۱۶.
۴۸. قاضی، عبد الجبار بن احمد (۱۴۰۸ق)، المختصر فی اصول الدین، قاهره: دار الشروق.
۴۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
۵۰. کاشانی، فتح الله بن شکر الله (بی تا)، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۵۱. محبی، غلامحسین؛ علوی، بتول (۱۳۹۲)، «بررسی و نقد معنای حرف جر «باء» از دیدگاه ابن هشام انصاری»، پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ش ۷، صص ۲۶-۷۹.
۵۲. مدنی، سید علیخان، (بی تا)، الحقائق النندیة فی شرح الفوائد الصمدیة، قم: ذوی القربی.
۵۳. ناظر الجیش، محمد بن یوسف، (بی تا)، شرح التسهیل المسمی تمهید اللقواعد بشرح تسهیل الفوائد، قاهره: دار السلام.
۵۴. نجارزادگان، فتح الله (۱۳۸۴)، «پژوهشی درباره مفاد آیه اکمال دین از دیدگاه فریقین»، پژوهش های

دینی، ش ۳، صص ۱۰۵-۱۱۶.

۵۵. _____ (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی تفسیر آیه اکمال با تأکید بر نقد مناقشه‌ها درباره

دیدگاه شیعه»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۹، صص ۱۳۱-۱۵۹.

۵۶. نسائی، احمد بن علی (۱۴۱۰ق)، تفسیر النسائی، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.

۵۷. نهر، هادی (بی‌تا)، النحو التطبیقی وفقاً لمقررات النحو العربی فی المعاهد والجامعات العربیه،

اربد: عالم الکتب الحدیث.

۵۸. واحدی، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دار القلم.

۵۹. هرمزی شیخ طبعی، مریم (۱۳۹۵)، «مفسران اهل سنت و آیه اکمال»، فصلنامه بینات، سال

بیست دوم، ش ۴، صص ۱۲۳-۱۴۴.